



توضیح:

آنچه در پی می‌آید بخشی از خطبه نماز جمعه علامه سید محمد جواد غروی است. پیرامون حدیث متواتر پیامبر اسلام که «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ». و نیز تبیین وظائف نمایندگان مجلس و روش امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت. این خطبه در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۹، مصادف با ۱۹ رمضان ۱۴۰۰ ایراد گشته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امیرالمؤمنین، مجلس شورای اسلامی، نمایندگان، وکلاء مردم، تربیت، طاغوت، منافق، خیانت، خلف وعد، دروغ.

با کمال تأسف، ما یک تربیت ثابت مستمری که اقلای یک نسل ادامه یافته باشد، نداشته‌ایم! برای اینکه تبلیغات دینی، آن طور که باید، نداشته‌ایم. تشکیلات صحیح دینی هم نداشته‌ایم. ظلم و ظالم، طاغوت و مفسد هم مسلط بر ما و بر سرنوشت ما بوده است. پس تربیت نشده‌ایم. انسان هم تا غذاء نخورد سیر نمی‌شود، تا آب نخورد سیراب نمی‌گردد، تا لباس نپوشد پوشیده نمی‌شود، تا در آدم شدن هم زحمت نکشد، آدم نمی‌شود!! کار باید کرد، فعالیت باید کرد، تصمیم و اراده می‌خواهد. اگر انسان اراده کرد و تصمیم گرفت، آسان می‌شود. ولی باید ببینیم آیا جو داخل ما و محیط ما مردم، که انقلابی هستیم، از هر جهتی سالم است؟! نه! سالم نیست! خیلی از ماها همانیم که بودیم! تربیت شده طاغوت!! درست است که مقابل طاغوت ایستادیم، ولی صفات طاغوتی را که به شکل دیگری داشته‌ایم، دور نیانداخته‌ایم!! منتظر بودیم که توانایی پیدا کنیم و آن صفات طاغوتی را باز بکار ببریم. باز احتکار کنیم، باز انحصار کنیم، باز ظلم کنیم، باز دروغ به همدیگر بگوییم، باز خدعه و نیرنگ داشته باشیم. این نشد!! اگر اینطور باشد ما نمی‌توانیم به نتیجه برسیم.

از طرف دیگر یک چیزهایی هم واقعاً میانه ما ملت منسوخ شده است! گویا اصلاً از دین نبوده و نیست. کانه در اجتماع نقشی نداشته! مثل دروغ و حرام بودن آن، و اینکه چه آثار سوئی بر آن مترتب می‌شود! دروغ، پیش ما چیزی نیست، و حال آنکه از اعظم گناهان است! پیغمبر (ص) در حدیث مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ، که شیعه و سنی هر دو روایت کرده‌اند و متواتر است، فرموده:

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ، وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ، وَ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ، كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنَ النِّفَاقِ، مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَ إِذَا أَوْثَمِنَ خَانَ وَ در حدیث دیگر: وَ إِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَ إِذَا خَاصَمَ فَجَرَ.

سه ویژگی است که در هر کس باشد منافق است، حتی اگر روزه گرفته باشد و نماز گزارده باشد و گمان برده باشد که مسلم است، و اگر یکی از آن خصلتها در کسی باشد، مشتی از نفاق در او هست، کسی که هرگاه سخن گفته باشد دروغ گفته باشد، و هرگاه وعده داده باشد، خلف وعده کرده است، و هرگاه مورد اطمینان قرار گرفته خیانت کرده است.

رئیس و مرؤوس ما باید مقید باشند اگر وعده بی دادند، حتماً در همان وقتی که گفته‌اند انجامش دهند. قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف ۳ و ۲)



ای کسانی که اهل ایمان هستید، مبدا چنین باشید که چیزی بگویید و نکنید، چرا سخنی را می‌گویید که بر طبق آن عمل نمی‌کنید و بدان وفادار نیستید؟

«كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ» غضب خدا بسیار بزرگ است برای کسانی که بگویند و نکنند. ببینید! خلاف وعده را این قدر اهمیت می‌دهد. دیگر آنکه؛ در امانت خیانت نکنند. اینجا دیگر کار مشکل می‌شود. خیانت در امانت! هر کسی هر مسؤولیتی را که بر عهده دارد، چه در کسب و چه در مشاغل دیگر، امانت خلق را در اختیار دارد. هیچ نوع خیانتی نباید بکند! شما در هر شغلی که هستید و هر مسؤولیتی که بر عهده دارید، باید عمل شما منصفانه و عادلانه باشد، باید در کارتان عادل باشید و آلا خائن هستید! امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه، صفات خائن را برای خیاطی که پارچه‌های زائد و دورریز برای خود کنار گذاشته بود، برشمرد و گفت: حتی خیانت در یک نخ و سوزن هم خیانت است.

مقصود اینکه از اینجا بگیر و برو تا مجلس شورا! آنجا چطور است؟! آنجا هم همین طور! اینها امانت مردم هستند. آنجا نشسته‌اند، نباید به هیچ وجه، با فردی از افراد ملت، در هیچ موضوعی از موضوعات، خیانت کنند! به تمام معنا کارها باید روشن و واضح باشد و در اختیار ملت! دور نداشته باشد! ظاهر و باطن نداشته باشد! چیزی از ملت مخفی نباشد! همه چیز آشکار باشد! نه اینکه در روزنامه‌ها بنویسند و بگویند که اوضاع دلالت می‌کند بر سفیدی ماست و سیاهی ذغال! اینها که مطرح نیست! باید کُنه و بُنه حقایق مطالب جلو مردم روشن باشد! چونکه قرآن دین اسلام را نور و اهل اسلام را هم داخل شده در نور می‌خواند. نور یعنی چه؟ نور را چنین تعریف می‌کنند که؛

هُوَ الظَّاهِرُ بِدَاتِهِ الْمُظْهِرِ لِغَيْبِهِ.

نور آن است که خودش پیدا است و چیزهای ناپیدا را هم ظاهر می‌کند.

قرآن هم اسلام و مسلمانها را نور می‌خواند. ابهام در مسلمانها به هیچ وجه معنی ندارد. همه باید اینطور باشیم. نه تنها نمایندگان مجلس شورا باید اینطور باشند، بلکه همه ملت! پوشیده و پنهان معنی ندارد. چرا؟ برای اینکه پوشیدگی و پنهان کاری، برای دروغ و تزویر و تغلب^۱ و خدعه و نیرنگ و کلاه سر مردم گذاشتن است. اگر این نباشد که پوشیده و پنهان دیگر معنی ندارد. همه چیز باید ظاهر باشد. و تمام مطالب باید در اختیار مردم باشد.

از طرف دیگر معنای اینکه مردم و کلائی انتخاب کرده‌اند و به مجلس فرستاده‌اند، این نیست که دیگر خودشان مرده‌اند و اختیار را از خود سلب نموده‌اند! به حکم اسلام، هر موکلی، هر وقت بخواهد، می‌تواند و کیلش را عزل کند. و اگر بر خلاف و کالتش عمل کرد، باید بلافاصله و فوری او را عزل نماید. اینطور نیست که در پیشانی شما نوشته باشد که اگر به عنوان وکیل انتخاب شدی، چهار سال توقف کنی! بی هیچ مؤاخذه‌یی از طرف موکلانت!! نه! اگر نتوانستی یا نخواستی حقوق و مصالح موکلت را حفظ کنی، آنها می‌توانند و باید تو را بی معطلی عزل کنند، و فقط آنها می‌توانند تو را عزل کنند، نه افراد یا گروهی دیگر! ما انتظار داریم از و کلاء مجلس، که وقتی ماده تاریخ افتتاح مجلس شورا را «مظهر عدل علی» قرار دادند، صحن مجلس هم محل ظهور عدالت امیرالمؤمنین باشد. پس بار شما خیلی سنگین است! خیلی مشکل است! بین علی در جزء و کل چکار کرده است؟! باید برنامه تمام مجلسان و دولتتان و ملت، گفته‌ها و کرده‌های علی باشد! ما این را می‌خواهیم.

اگر عملمان غیر از این بوده، ضد انقلاب بوده‌ایم. چه من باشم، چه تو باشی، یا هر کس دیگری! ملاک این است! انقلابی آن کسی است که برنامه علی را جدا، از هر جهتی، اجراء کند، تا اسلام واقعی جاری شود، و چشم بشر دنیا به حساب بیاید. دیگر هیچ کس طمع به آب و خاک ملت نکند. بلکه تمام مسلمین دنیا،

۱- تقلب به حرف «ق» غلط و صحیح آن تغلب با حرف «غ» است.

یکنواخت، یک صدا و متفق، در مقابل تمام دشمنهای فعلی و آینده یک مشت گره کرده باشند تا هدایت و قرآن در سطح جهان جاری شود. این هدف ما است. هدف ما این نیست که وضع مادی ما یک مقداری بهتر شود، زیرا وضع اقتصادی، پس از اجراء کامل قرآن، بطور طبیعی بهتر می شود. هدف ما خیلی بالاتر از اینهاست. هدف ما وصول به مقام عالی انسانی است که با ترویج دین خدا و متخلق شدن به اخلاق الهی، در سطح جهان بشری، فرگیر می شود و همه از آن منتفع و مستفید، می گردند و بهره دنیا و آخرت را می برند، و سعادتمند هر دو جهان می شوند. این مقصد اصلی است. لهذا باید دنبال آن هدف باشیم و عملمان خلاف آن نباشد.

پس مجلس شورایی که عنوانش «مظهر عدل علی» است، باید به این موضوعات توجه داشته باشد و صدها چیز دیگر و نیز تمام مفاد عهدنامه مالک اشتر! ملت هم همه منتظر هستند که تمام این عهدنامه و نیز تمام آیات قرآن، در این مجلس شورا اجراء شود. و نیز انفاذ و تنفیذ و تأیید گردد و مورد عمل قرار گیرد. این روش را که پیش گرفتند، چه مجلسیان و چه ملت، نه تنها ملت راضی می شود، بلکه نام شما به نیکی در تاریخ باقی می ماند، آن وقت است که این آثار به عظمت می ماند. از اینها گذشته، شما دنبال رضای خدایید و خدا راضی است. تاکنون که مجلس شورایی نداشته ایم و انقلاب زده بودیم و ویران زده بودیم، توقعات مردم هم کم بود. ولی حالا دیگر مجلسیان محترم فکر نکنید که هنوز هم مردم صبر دارند. به جهت اینکه دیگر شرائطش درست شده!

